

## تسامح در عبادات از دیدگاه سنت نبوی

(مطالعه موردی: تسامح در ادای زکات)

**نگارنده:** دکتر سید عبدالماجد غوری

samghouri@usim.edu.my

استاد دانش‌کده مطالعات قرآن و سنت، دانش‌گاه علوم اسلامی مالزی

نشر شده در کتاب‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی «منهج فقه و قانون در حل قضایای معاصر» دانش‌کده فقه و قانون دانش‌گاه علوم اسلامی مالزی (USIM)، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰،

<[https://www.researchgate.net/publication/332454831A\\_altaysiru\\_fy\\_alibadat\\_fy\\_dw\\_alsunat\\_alnbwyt\\_alzakatu\\_nmwdhjiaa\\_EASEMENT\\_IN\\_THE\\_WORSHIP\\_AS\\_PER\\_THE\\_GUIDELINES\\_OF\\_PROPHETIC\\_SUNNAH\\_-\\_ZAKAT\\_AS\\_AN\\_EXAMPLE](https://www.researchgate.net/publication/332454831A_altaysiru_fy_alibadat_fy_dw_alsunat_alnbwyt_alzakatu_nmwdhjiaa_EASEMENT_IN_THE_WORSHIP_AS_PER_THE_GUIDELINES_OF_PROPHETIC_SUNNAH_-_ZAKAT_AS_AN_EXAMPLE)>

**مترجم:** عبدالناصر امینی\*

### چکیده

اسلام دین آسان‌گیری و تسامح بوده، بر همین مبانی استوار است و نمی‌خواهد پیروان خود را در تنگنا و مشقت قرار دهد. پیام‌بر صلی الله علیه وسلم در بسیاری از احادیث شریف، مسلمانان را به آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری دستور داده و یادآور شده، که بر مبنای دین حقیقت‌بخشنده و آسان‌گیر مبعوث گردیده است. به همین منظور آسانی و آسان‌گیری از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های شریعت این دین حنیف محسوب می‌شود. این دین برای ایجاد فشار و به غل و زنجیر کشیدن مردم، یا تکلیف آن‌ها به اعمال و افعالی که در توان شان نیست نیامده؛ بل که برای تحقق خوش‌بختی همه بشریت آمده است و این امر را با سُبُک‌انگاری، رفع حرج، زدودن تنگناها و دفع مشقت تحقق بخشیده است. آسان‌گیری در بسیاری از عبادات و فرایض این دین، مدنظر قرار داده شده تا مسلمانان حین ادای آن‌ها با حرج روبه‌رو نشوند، «زکات» از شمار این عبادات و رکن پنجم اسلام است، که این پژوهش برخی از مظاهر آسان‌گیری سنت نبوی در ادای این فریضه را در پرتو احادیث و آثاری که در زمینه وجود دارد، به بحث گرفته است.

**واژه‌گان کلیدی:** تسامح، سنت نبوی، عبادات و زکات.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 01 / 11 / 2021

Accepted: 15 / 03 / 2022

## Easement in The Worship as Per The Guidelines of Prophetic Sunnah – Zakat as An Example

Dr. Syed Abdul Majid Ghouri

*Faculty of Quranic and Sunnah Studies (FPQS), Islamic Science University of Malaysia (USIM), Bandar Baru*

*71800, Nilai, Negeri Sembilan, Darul Khusus, Malaysia. Email: samghouri@usim.edu.my*

<Conference: 3rd International Conference of the Postgraduate Students and Academics In Syariah and Law 2020.

At: Faculty of Syariah and Law (FSU), Islamic Science University of Malaysia (USIM), Bandar Baru Nilai, 71800, Nilai, Negeri Sembilan, Darul Khusus. MALAYSIA>

Translated to Persian: Abdalnaser Amini\*

### Abstract

Islamic is the religion of easement and forbearance and it is, rather, based on these foundations and not causing hardship and putting curtailment on its people. The Prophet PBUH instructed Muslims in various Ḥadīths to follow the path of easement and not hardship. He also mentioned that he was sent with the tolerant and easy path of uprightness (al-milla al-ḥanafiya). Hence, following and causing easement are one of the important and significant features of the Sharī'ah in this religion of uprightness, and the religion was not revealed to cause difficulty for the people and place obstructions and chains or to make them subjected to what they cannot bear either in terms of acts or deeds, rather the Sharī'ah came to achieve happiness for the entire humanity, and it could achieve it by relief, removing hardship and easement, and avoiding exhaustion. In case any rulings of Sharī'ah moves from easement to hardship, then it will not be, in any way, part of the religion. Easement is accompanied with various worships and obligations of this religion so that Muslims will not be in a state of straining while performing what is required by them. One of these worships is Zakat which is considered one of the five pillars of Islam and it ranks on the third position. This research deals with the signs of easement which are evident in the Prophetic traditions while performing this obligation through what was reported in the Ḥadīth and narratives.

**Keywords:** Easement, Sunnah, Worships & Zakat.

\* Academic Cadre of Ghalib University – Herat (a.n.amini@ghalib.edu.af)

## مقدمه

یکی از بارزترین ویژگی‌های اسلام، هم‌گام‌بودن آن با شمولیت، ظرفیت بزرگ، آسان‌گیری، ازبین‌بردن تنگناها و عدم مشقت است. در این دین، وصف سهولت با بسیاری از عبادات، که قانون‌گذار حکیم بر این اُمت فرض گردانیده، همراه و قرین است تا انجام این فریضه‌ها، خصوصاً در روی داده‌های خاص و پیشامدهای غیرمنتظره بر آن‌ها مشقت‌بار نباشد. این آسان‌گیری مبتنی بر رعایت ضعف انسانی، فزونی مسؤولیت‌ها، تعدد مشاغل، فشارها و نیازمندی‌های زنده‌گی آنان است؛ به طوری که قانون‌گذار این دین، نخواستہ آنان دُچار ناملايمات شوند و به رنج افتند؛ بل که ارادۀ خیر، سعادت، به‌سازی حال و آتی معاش و معادشان را دارد؛ به همین منظور در بسیاری از عبادات، آسان‌گیری را از زبان پیام‌بر گرامی‌اش \_ که درود و سلام بر روانش هر دمی \_ مشروع کرده است. بنابراین، بر پیروان اسلام لازم است که این آسان‌گیری را با فهم و درک درست آن بیاموزند و به نیکی با آن تعامل نمایند و صدالبته باید متوجه باشند، که این آسان‌گیری به معنای رهایی از قیود شریعت و تجاوز از حدود خداوندی نیست؛ زیرا چنین عملی آسان‌گیری نبوده؛ بل که خدعه و فریب است. بدیهی است که تسهیل و آسان‌گیری به معنای التزام به احکام دین، آن‌گونه که پروردگار جهانیان اراده کرده بوده و آن‌گهی تعامل با این احکام و قوانین، باید مطابق با روش آسان‌گیری‌یی باشد که مشخصه‌های آن از خلال روش کریمانه نبوی تبیین می‌گردد (اشقر، ۱۹۹۱ م: ۶۹). ما در سنت مطهر نبوی، که منبع دوم قانون‌گذاری دین اسلام است، نمونه‌های بارزی از آسان‌گیری، بشارت‌دهی، رفع حرج و تنگنا و برداشتن مشقت را از مردم می‌بینیم؛ چنان‌که این خصیصه از خلال گفتار و اقوال رسول گرامی اسلام نیز مبرهن است، آن‌جا که می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا عَظَبَهُ، فَسَدِّدُوا، وَقَارِبُوا، وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ؛ دین آسان است و اگر کسی آن را بر خود سخت بگیرد، سرانجام [خسته و مستأصل شده] و مغلوب خواهد شد؛ پس راه راست و میانه را در پیش گیرید، بشارت دهید و از عبادت صبح و شام و پاسی از شب، کمک بگیرید» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ح ۳۹).

یکی از روش‌های پیام‌بر صلی الله علیه وسلم این بود که هرگاه میان گزینش دو کار مختار می‌بود، آسان‌ترین آن دو را تا مادامی که گناه نمی‌بود، برمی‌گزید. از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: «هرگاه به رسول خدا صلی الله علیه وسلم اختیار داده می‌شد، که از میان دو کار یکی را برگزیند، آسان‌ترین آن‌ها را برمی‌گزید؛ البته اگر گناه نمی‌بود؛ اما اگر گناه بود، بیش‌تر از همه مردم از آن فاصله می‌گرفت» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ح ۵۷۷۵)؛ و روایات و آثار دیگری از همین قبیل، که بر روش و رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسان‌گیری در امور دین، رفع حرج و تنگنا و برداشتن مشقت از امتش در عبادات و فرایض دلالت دارد.

در این پژوهش کوشیده‌ام برخی از مهم‌ترین مظاهر آسان‌گیری و تسهیل در بحث زکات را در پرتو نصوص سنت مطهر نبوی گردآورم و محتویات این رقیمه را به دو مبحث تقسیم نموده، در مبحث اول به بیان مفاهیم کلی تیسیر (آسان‌گیری) پرداخته و بیان داشتیم، که آسان‌گیری از مشخصه‌های بارز اسلام و مقاصد اساسی شریعت غزالی [محمدی] است و سپس درنگی بر برخی از ضوابط آسان‌گیری و تأکیدهای مؤکدی که در رابطه با عمل به رخصت‌های شرعی آمده داشته‌ام و مبحث دوم را به پژوهشی در نصوص سنت نبوی نسبت به آسان‌گیری و تسهیل در ادای زکات اختصاص دادم و در پایان، نوشته را با نتیجه‌گیری‌یی که حاوی مهم‌ترین نتایج به دست آمده بود، به سرانجام رساندم. از خداوند متعال می‌خواهم که این تلاش متواضعانه در حوزه خدمت به سنت پیامبر صلی‌الله علیه و سلم \_ که به‌ترین درود و سلام بر روانش هر دمی\_ را به قبولش بیاراید، که او کارساز و بر آن تواناست.

### مبحث اول: مباحث مقدماتی پیرامون تسامح / آسان‌گیری

#### مطلب اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی تیسیر / آسان‌گیری

**الف. مفهوم لغوی:** التیسیرُ مصدر فعل یَسِّرُ، یُسِّرُ به معنای تسهیل و آسان‌گیری است. گفته شده: «فَلَانٌ یَسِّرُ الْأَمْرَ»، فلانی \_ چه بر خود یا بر دیگری \_ کار را آسان گرفته و سخت‌گیری نکرد؛ هم‌چنان این واژه از مصدر «الْیُسْر» گرفته شده به معنای نرمی و انقیاد است. واژه «الْیُسْر» با اعراب متفاوتِ الْیُسْر، الْیُسْر، الْیُسْر، و الْیُسْر در تمامی صورت‌ها معنای مترادفی دارد و به مفهوم آسان‌گیری در کار و اجتناب از سخت‌گیری می‌باشد. یکی دیگر از معانی تیسیر: تجهیز و آماده‌سازی است؛ گفته شده: «یَسِّرْتَهُ لِعَمَلٍ مَا»؛ یعنی آن را برای کاری تجهیز و آماده کردم. نیز تیسیر به معنای تخفیف، فراخی و توسعه آمده است.

نقیض واژه یُسْر، عُسْر به معنای تنگ‌دستی است و اصل واژه‌گانی این کلمه بر سختی و شدت دلالت دارد. گفته شده: «عَسْرُ الْأَمْرِ عُسْرًا وَ عَسَارَةٌ، فَهُوَ عَسِيرٌ» به معنای کار بسیار سخت شد و «الْمَيْسُور» نقیض «الْمَعْسُور» است (ابن منظور، ۱۹۹۹ م: ۵۶۴/۴).

**ب. مفهوم اصطلاحی:** تیسیر / آسان‌گیری در اصطلاح به تخفیف و تسهیل بر مکلفان با برداشتن دشواری از آن‌ها تا بتوانند احکام شرعی را بدون سختی و حرج ادا کنند، اطلاق می‌گردد. شیخ عبدالرؤوف مناوی (متوفی ۱۰۳۱ ق.) در تعریف «یسر» گفته است: «یسر به معنای کسب یک چیز با عافیت و بدون مشقت و زحمت است» (مناوی، ۱۹۹۰ م: ۴۳۷).

به همین منظور واژه «الْیُسْر» به هر عملی که در آن نرمی، سهولت و انقیاد یا رفع حرج و تنگنا و برداشتن مشقت از مکلف با امری از امور که نفس را خسته نکرده و بر جسم گران نیاید، اطلاق

می‌گردد؛ همچنان اصطلاحاتی چون «السَّمَاخَة / گذشت»، «السَّعَة / توان‌گری»، «رَفْعُ الْحَرَج / از بین بردن تنگ‌نا»، «رَفْعُ الْمَشَقَّة / برداشتن مشقت» و سایر اصطلاحاتی که همین معنا را می‌رساند، تحت همین مفهوم می‌آید.

متضاد «التیسیر» از حیث اصطلاح، «التعسیر» است به معنای این که انسان در امری از امور دین، با زیاده‌روی از آن چه مشروع شده یا در امر دنیوی با ترک کار آسان‌تر که گناه نبوده، بر خود یا کسی دیگر سخت بگیرد.

### مطلب دوم: نگاه مقاصدی به تسامح

بی‌تردید خصیصه تسامح / آسان‌گیری از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های دین اسلام است، که خداوند سبحان برای بنده‌گانش پسندیده و آن را بر اُفقِ وسیع از تسهیل و آسان‌گیری به‌عنوان رحمت و تخفیفی بر آن‌ها مبتنی بر فزونی مسؤولیت‌های انسان، تعدد مشاغل، تخفیف از فشارها و نیازمندی‌های زنده‌گی او، استوار نموده است و خداوند بر بنده‌گانش بس مهربان است و گرفتاری آنان با ناملایمات و افکنده‌شدن شان را به رنج اراده نداشته، بل که خیر و خوش‌بختی‌شان را می‌خواهد (قرضاوی، ۱۹۸۹ م: ۱۶۳).

آسان‌گیری در باورها، عبادات، معاملات و اخلاق دین اسلام نیز جلوه‌گر است؛ چنان‌که یکی از مقاصد بنیادی شریعت اسلامی محسوب می‌گردد؛ خداوند تبارک و تعالی فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ؛ خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد» (بقره: ۱۸۵) و فرموده: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ؛ خداوند نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد» (مائده: ۶)؛ و فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا؛ خداوند می‌خواهد کار را بر شما سبک و آسان کند و انسان ضعیف و ناتوان آفریده شده است» (نساء: ۲۸). همه این آیات صفحات روشنی از زیبایی و آسان‌گیری دین برای ما و مهربانی خدای عزوجل نسبت به بنده‌گانش را تبیین می‌کند و نیز روشی عالی و مسیری پیراسته را برای حاملان و متولیان شریعت ترسیم می‌دارد.

یکی از مظاهر آسان‌گیری خدای سبحان در این دین حنیف، این است که پیام‌بر این آیین، محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را با اوصافی چون گذشت، مهربانی، نرم‌خویی، بخشندگی، آسان‌گیری، ساده‌زیستی و زیبایی آراست و به‌ترین اخلاق و والاترین صفات را به وی ارزانی داشت و یسر و آسان‌گیری از بزرگ‌ترین مشخصه‌های سنت شریف ایشان بود؛ چنان‌که موردی که مردم را در امور دینی‌شان با دشواری مواجه کند یا در قضایای دنیوی به ستوه‌شان آورد، در سنت نبوی یافت نمی‌شود. تبلور این آسان‌گیری در این فرموده آن حضرت دیده می‌شود که فرمود: «إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُهْدَأَةٌ؛ قطعاً من رحمتی هستم که [به جهانیان] هدیه شده‌ام» (حکیم نیشابوری، ۱۹۲۲ م: ح ۱۰۰). در فرازی دیگر می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي مُعْتَبًا وَلَا مُتَعْتَبًا، وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا مُسِيرًا؛ خدایوند بزرگ مرا نفرستاده که سخت گیر و مشکل آفرین باشم؛ بل که مرا فرستاده که آموزگار و آسان گیر باشم» (مسلم، ۲۰۰۰: ح ۱۴۷۸)؛ و این بدان سبب بود که خدایوند عزوجل ایشان را به حیث رحمتی برای جهانیان فرستاد؛ چنان که می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و [ای پیامبر!] تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء: ۱۰۷). حافظ ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.) در تفسیر این آیه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه وسلم با آسان گیری و بخشندگی آمد. اُمت های پیش از ما در امور دین با دشواری هایی مواجه بودند؛ اما خدای تبارک و تعالی بر امور این اُمت فراخی آورد و تسهیلش کرد» (ابن کثیر، ۱۹۹۳ م: ۵ / ۳۹۶).

بدین ترتیب، بعثت آن حضرت صلی الله علیه وسلم با آسان گیری و بزرگواری همراه بود؛ طوری که برای امتش رخصت ها و تخفیف هایی در مباحثی چون طهارت، نماز، زکات، روزه، حج و سایر عبادات، معاملات و امور اخلاقی مدنظر گرفته و مشروع نمود.

### مطلب سوم: ضوابط تسامح در دین

چنان که پیش تر در تعریف اصطلاحی آسان گیری گفته شد، که به تخفیف و تسهیلی اطلاق می گردد که با برداشتن دشواری از مکلفان، بتوانند احکام شرعی را بدون مشکل و حَرَج به صورت معتدلانه، چنان که در کتاب خدا و سنت پیامبر آمده، بدون سخت گیری بی که حلال را حرام کند و یا تساهلی که حرام را حلال پندارد، ادا کنند. هرگاه این مفهوم آسان گیری دین و شریعت برای ما تثبیت شد، پرواضح خواهد بود که آسان گیری ضوابطی دارد که آن را تنظیم و ضابطه مند می کند و در امور آتی خلاصه می گردد:

۱. آسان گیری بر خواهشات نفسانی، هوسرانی و نیکو زشت پنداشتن بنده گان مبتنی نیست. هر آسان گیری بی که مستند به کتاب خدا یا سنت نباشد، لغو است؛ زیرا که شریعت با استحسان عقلی محض و بدون مقیدبودن به دلیل، ثابت نمی گردد؛
۲. افزودن بر میزان تخفیف و آسان گیری بی که در نصوص [شرعی] آمده جواز ندارد. بدیهی است هرگاه تمسک به نص شرعی و التزام به حکمی که از نص گرفته شده صورت گیرد، منجر به آسان گیری و رفع حرج خواهد شد؛
۳. در مواردی که نص موجود است، ضرورتی به اجتهاد وجود ندارد؛ زیرا کتاب و سنت دو منبع اساسی این دین هستند و سایر ادله و اصول شرعی، حیثیت تبع و پیرو را دارند و هرگاه میان منابع اساسی و منابع پیرو تعارضی به میان آید، رجوع به نص واجب است؛

۴. واجب است که آسان‌گیری از شرع گرفته شده و به آن مقید باشد و آسان‌گیری‌یی که به حکم عقل بسنده کرده باشد، اعتباری ندارد و باید مبتنی بر مقصودی از مقاصد شریعت باشد؛ اما اگر در تناقض با مقاصد شریعت قرار گرفت، آسان‌گیری نیست.

### مطلب چهارم: تأکید شارع بر عملی کردن رخصت‌ها

احکامی که از انجام آن‌ها دشواری‌یی بر جان یا مال شخص مکلف ایجاد شود، شریعت در مورد آن‌ها رخصت داده و تخفیف قائل شده است تا به حد مقدور، بتواند بدون سختی و حرج احکام شرع را عملی نماید. تمامی این رخصت‌های شرعی و تخفیف‌ها از یک قاعده فقهی معروف گرفته شده: «المشقة تجلب التيسير / دشواری فراهم‌آوری وسایل سهل را جلب می‌کند». علما گفته‌اند: «تمامی رخصت‌ها و تخفیف‌های شرعی از همین قاعده گرفته شده است» (عثمان شبیر، ۲۰۰۷ م: ۱۹۱).

پیام‌بر صلی الله علیه وسلم بر عمل به تسهیلاتی که شریعت در تمامی امور عبادات، معاملات و... قائل شده تأکید می‌کرد و هم‌واره مسلمانان را به استفاده از رخصت‌ها، چنان‌که به عزیمت‌ها پای‌بند بودند، تشویق می‌نمود؛ طوری که در فرازی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ؛ خداوند دوست دارد که به رخصت‌هایش عمل شود؛ چنان‌که دوست دارد به عزیمت‌هایش عمل شود؛ زیرا این رخصت‌ها را خداوند به حیث رحمت خود بر بنده‌گان مقرر داشته است» (ابن حبان، ۱۹۹۳ م: ح ۳۵۵)؛ چنان‌که فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد» (بقره: ۱۸۵)؛ پس بر بنده‌گان شایسته نیست که از پذیرش آن‌چه شریعت برای شان مباح دانسته و فراخی آورده ابا ورزند.

اما در این فقره باید دقیق متوجه بود که منظور از استفاده رخصت‌ها، دنبال کردن رخصت‌های مذاهب فقهی، اقوال ائمه و علما و گزینش آسان‌ترین آن‌ها نیست؛ بل که مراد استفاده از رخصتی‌یی است که با دلیل شرعی ثابت می‌گردد.

### مطلب پنجم: شواهد تسامح در سنت نبوی و صحابه

احادیث و روایات بسیاری در سنت نبوی آمده که بر آسان‌گیری / تسامح دین و اجتناب از تشدد و افراط در آن دلالت دارد و نیز روایات متعددی وجود دارد که بر نهی پیام‌بر صلی الله علیه وسلم از تشدد و سخت‌گیری در عبادات و التزام ایشان به تسهیل در امور و آسان‌گیری نسبت به اُمت، دلالت می‌کند و آثار و نتایج آن بر صحابه رضی الله عنهم آشکار شده است؛ چنان‌که به تأسی از منهج پیام‌بر صلی الله علیه وسلم در آسان‌گیری و بشارت‌دادن، بسیار حریص بوده و از سخت‌گیری در احکام شرعی و امور دنیوی فاصله می‌گرفتند. از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «سوگند به ذاتی که غیر از او

معبودی نیست، کسی را شدیدتر از پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سخت گیران ندیدم و نیز کسی را شدیدتر از ابوبکر رضی الله عنه بر آنان ندیدم و من گمان می برم که عمر رضی الله عنه بیش تر از همه اهل زمین، بر سخت گیران هراس داشت» (ابو یعلی موصلی، ۱۹۸۴: ح ۵۰۲۲).

صحابه کرام منهج نبوی را در آسان گیری به صورت عملی تطبیق نمودند؛ چنان که بسیاری از روایات بر این امر دلالت دارد؛ از جمله آن چه عایشه رضی الله عنها از حرص پدرش ابوبکر رضی الله عنه در آسان گیری و استفاده از رخصت های الهی روایت کرده، و این که ابو بکر در هیچ سوگندی حانث نشد تا این که خداوند کفاره سوگند را نازل کرد. وی (ابوبکر) می گفت: «سوگندی را نمی بینم که غیر آن، برای من به تر از آن آشکار گردد؛ مگر این که رخصت خداوند را پذیرفته و آن چه را به تر است انجام می دهم» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ح ۴۳۳۸).

صحابه همواره به روش و رهنمود پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسان گیری و تسامح متمسک بودند؛ چنان که برخی از تابعین به این امر گواهی داده اند؛ از جمله عمیر بن اسحاق قرشی که گفت: «من از سایرین، تعداد بیش تری از صحابه را دریافتم و آنان را مردمانی با سیرت بسیار متسامح و دور از سخت گیری دیدم» (دارمی، ۲۰۰۷ م: ح ۱۲۶).

هم چنین ائمه مسلمان و فقهای دین بعد از عصر تابعان رضی الله عنهم نیز همه بر اتباع از این روش در امور دینی و دنیوی حریص بودند و از رهنمود پیامبر تأسی جسته و در این امر به صحابه اقتدا می کردند. تابعی بزرگوار قتاده بن دعامه سدودی (متوفی ۱۱۸ ق.) می گوید: «رخصت هایی را که خداوند برای شما مقرر کرده است بجوید» (طبری، ۲۰۰۴ م: ۱/۱۷۶)؛ نیز تابعی بزرگوار امام سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱ ق.) می گوید: «دانش نزد ما، رخصت از معتمد است؛ زیرا تشدید را هر کس نیک می پندارد» (ابن عبدالبر، ۱۹۹۴: ۲/۷۸۴)؛ و احادیث و روایات بی شمار دیگری از این قبیل که به آسان گیری و بشارت دادن در بسیاری از امور دینی و شؤون دنیوی دلالت دارد.

### مبحث دوم: تسامح / آسان گیری در پرداخت زکات

زکات از دیدگاه شریعت اسلامی به اختصاص سهم مشخصی از مال (مقدار نصاب سالانه) برای فقرا و مستحقان، اطلاق می گردد. علت نام گذاری زکات برای این عمل، بدین خاطر است که بنده مسلمان به امید برکت، تزکیه نفس و رشد مال با خیرات، این عمل را انجام می دهد (سید سابق، ۲۰۰۴: ۱/۳۳۵).

فریضة زکات، رکن سوم از ارکان پنج گانه اسلام محسوب می شود و برای درک اهمیت این فریضه در دین ما، همین کافی است که واژه «زکاة» سی مرتبه در قرآن کریم تکرار شده و در بیست



و هفت مورد، مقارن با واژه «الصلاة / نماز» در یک آیه [پی‌هم] ذکر شده که اول اسم «الصلاة» و پس از آن اسم «الزكاة» آمده است.

زکات [با دلایلی] از کتاب خدای متعال، سنت مطهر نبوی و اجماع امت بر مسلمانان فرض گردیده است؛ دلیل قرآنی: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و پیام‌بر را اطاعت کنید، تا شما مورد رحمت قرار گیرید» (نور: ۵۶). دلیل از فرموده پیام‌بر صلی الله علیه وسلم: «بُيِّئَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ؛ اسلام بر پنج چیز بنا شده است: گواهی دادن بر این که خداوند یکی است و جز او معبود برحق وجود ندارد و محمد رسول خداست. اقامه نماز، دادن زکات، ادای حج و روزه گرفتن ماه مبارک رمضان» (مسلم، ۲۰۰۰ م: ح ۱۶) نیز قطبۀ ائمه اسلام بر فرض بودن زکات بر مسلمانان اجماع دارند و اگر کسی به فرض بودن آن معترف بوده؛ لکن از پرداخت آن بخل ورزد، مرتکب گناه بزرگی شده و مستحق مجازات از جانب خداوند خواهد بود؛ اما اگر کسی فرض بودن آن را عمداً و با اصرار \_ درحالی که حکم آن را می‌داند \_ منکر شود، از اسلام خارج شده و صف مسلمانان را ترک کرده و بنابر کفر، مستحق قتل می‌گردد؛ مگر این که تازه مسلمان باشد؛ در چنین حالتی بنابر عدم آگاهی از احکام دین، معذور پنداشته می‌شود (ندوی، ۱۹۶۷ م: ۱۰۴).

هم‌چنان زکات یکی از مهم‌ترین پایه‌های نظام اقتصادی - اجتماعی است، که انسانیت نظیر آن را جز در اسلام نخواهد یافت؛ زیرا با انجام آن، عدالت اجتماعی در دین اسلام تحقق یافته و زمینه‌ی برای پایان دادن به فقر و نیازمندی جوامع مسلمان فراهم می‌شود؛ طوری که دارایی‌ها در میان همه به گردش درآمده و ثروت‌مندان [سهمی از مال خود را] به فقرا و نیازمندان توزیع می‌کنند و بدین ترتیب باعث نزول خیرات و برکات در دارایی و زنده‌گی شان می‌گردد. این [عمل کرد] زاویه‌ی از زوایای جمال، زیبایی و عظمت اسلام است که آن را مملو از رحمت، رأفت، اعتدال، میانه‌روی، توازن، شمولیت و عمومیت کرده و همه این موارد به‌نوعی آسان‌گیری بر بنده‌گان است. شریعت پاره‌ی از امور زکات را تسهیل کرده؛ مثل تعجیل در ادای آن، مشروع بودن بدیل‌ها در سهم قابل پرداخت زکات، پرداخت زکات فطر (فطریه) با پول نقد و... که در مطلب آتی در رابطه با این موارد بحث خواهیم کرد.

### مطلب اول: تسامح / آسان‌گیری در تعجیل ادای زکات

دین اسلام مقدار زکات و زمان وجوب آن را مشخص کرده، که یک سال کامل باید بر مال بگذرد و در ملکیت صاحب خود باشد. از علی بن ابی طالب رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود: «أَيْسَ فِي مَالٍ زَكَاةٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ؛ در هیچ مالی زکات نیست، تا

این که یک سال کامل بر آن بگذرد» (ابوداود، ۱۹۹۹ م: ح ۱۵۷۳)؛ و از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: «هر کس مالی را [در اثنای سال] کسب کند، در آن زکات واجب نیست تا آن که نزد پروردگارش یک سال بر آن بگذرد» (ترمذی، ۱۹۹۹ م: ح ۶۳۲).

دو حدیث مذکور، این مطلب را افاده می‌کنند که اصل در پرداخت زکات، فرارسیدن زمان وجوب آن است؛ لکن برخی از علما تعجیل در ادای زکات و پرداخت زود هنگام آن به مستحقان تعریف شده، یا مراجعی را که مسؤول جمع‌آوری و توزیع آن هستند، جایز می‌دانند. البته به دو شرط: یکی این که زکات به مقدار نصاب رسیده باشد و دوم این که تعجیل در پرداخت زکات، بنابر ضرورت و حاجتی انجام گیرد. این دسته از علما، از برخی احادیث که در رابطه با رخصت دادن پیامبر صلی الله علیه وسلم به تعجیل پرداخت زکات آمده، استدلال می‌کنند، از جمله روایتی که علی ابن ابی طالب رضی الله عنه نقل کرده که عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم در رابطه با تعجیل پرداخت زکات، پیش از فرارسیدن موعد آن پرسید و ایشان به وی رخصت داد (ابوداود، ۱۹۹۹ م: ح ۱۶۲۴). نیز از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمود: «إِنَّا قَدْ أَخَذْنَا زَكَاةَ الْعَبَّاسِ عَامَ الْأَوَّلِ لِلْعَامِ؛ ما زکات عباس را در اول سال، برای سال [جاری] دریافت کردیم» (ترمذی، ۱۹۹۹ م: ح ۶۷۹). امام ابو عیسی ترمذی (متوفی ۲۷۹ ق.) پس از نقل این حدیث گفته است: «اکثر اهل علم بر این باورند که تعجیل در پرداخت زکات جواز دارد». از این دو حدیث چنین برداشت می‌شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه در پرداخت زود هنگام زکات مالش، پیش از این که زمان وجوب آن فرارسد؛ بنابر برخی مصلحت‌های شرعی رخصت داد. تعجیل در پرداخت زکات سهولتی بزرگ بر امت است؛ خصوصاً در شرایط بحرانی، قحطی و حوادث غیرمترقبه مثل ایام انتشار ویروس کرونا در عصر ما، که مردم را در خانه‌ها حبس نموده و برخی از مردم درآمد ثابت ماهانه و غیر ماهانه نداشتند و کارمزد خود را به صورت روزمره به دست می‌آوردند و با قرنطین شدن در خانه‌ها، به هم‌کاری مالی نیاز داشتند؛ به همین علت اکثر فقها تعجیل پرداخت زکات را با رعایت دو شرط مذکور، جواز داده‌اند. شیخ الاسلام ابن تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق.) در بیان دیدگاه فقها در رابطه با تعجیل در پرداخت زکات، گفته است: «تعجیل پرداخت زکات قبل از موعد وجوب آن، به اساس موجودیت سبب وجوب، نزد جمهور علما: ابوحنیفه، شافعی و احمد جایز است؛ بنابراین تعجیل در پرداخت زکات مواشی، نقدین (طلا و نقره) و کالاهای تجاری که نصاب زکات را کامل کرده باشد، جواز دارد» (ابن تیمیه، ۲۰۰۴ م: ۸۵/۲۵).

قول راجح در رابطه با آن چه ذکر شد، این است که تعجیل در پرداخت زکات، قبل از سپری شدن یک سال کامل، بنابر مصلحت در صورتی که سبب وجوب زکات، یعنی مالکیت نصاب کامل، که مال نامی بوده و از حوایج اصلی اضافه‌تر باشد، بنابر حصول غنا و بی‌نیازی، جایز است؛ اما تأخیر پرداخت

زکات الی تکمیل شدن سال، از باب تسهیل و آسان‌گیری بر صاحبان مال بوده و اگر قبل از فرارسیدن موعد پرداخت نمایند، صحیح است. از این ره‌گذر مقاصد شرعی زکات در جامعه اسلامی که آثار اجتماعی - تکافلی دارد، تحقق یافته و گامی در مسیر علاج ناهنجاری فقر بوده، نیازمندی‌ها و تنگ‌دستی‌ها را برطرف می‌کند.

### مطلب دوم: پرداخت بدیل در زکات

گاهی یک سال بر مال زکات‌دهنده می‌گذرد؛ اما جنسی را که پرداخت آن به حیث زکات واجب شده در اختیار ندارد؛ در چنین حالتی سنت نبوی کار را بر زکات‌دهنده تسهیل نموده و پرداخت بدیل‌ها را مشروع کرده است. از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: ابوبکر رضی الله عنه فریضه زکاتی که خداوند رسول خود را بدان امر کرده بود، نوشت: «کسی که حد زکات او به جذعه (شتر ماده‌یی که چهار سال کامل دارد) برسد و جذعه نداشته باشد؛ ولی حقه (شتر ماده‌یی که سه سال کامل دارد) داشته باشد؛ حقه از او پذیرفته می‌شود؛ و او باید دو گوسفند اگر میسر بود، به هم‌راه حقه بدهد، یا بیست درهم از او گرفته شود. کسی هم که حد زکات او به حقه برسد؛ اما حقه نداشته و جذعه داشته باشد، جذعه از او قبول می‌شود و زکات گیرنده بیست درهم یا دو گوسفند را به او دهد. کسی هم که حد زکات او به حقه برسد؛ اما جز بنت لبون (شتر ماده‌یی که دو سال کامل دارد) نداشته باشد، بنت لبون از او پذیرفته می‌شود و از او دو گوسفند یا بیست درهم گرفته شود. کسی هم که حد زکاتش به بنت لبون برسد؛ اما یک حقه داشته باشد، آن حقه از او پذیرفته می‌شود و زکات گیرنده بیست درهم یا دو گوسفند را به او بدهد. کسی هم که حد زکاتش به بنت لبون برسد؛ اما آن را نداشته باشد، و بنت مخاض (شتر ماده‌یی که یک سال کامل دارد) داشته باشد؛ بنت مخاض از وی قبول کرده می‌شود و صاحب مال هم‌راه آن باید بیست درهم یا دو گوسفند هم بدهد.» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ح ۱۴۵۳)؛ از این حدیث دانسته می‌شود که سنت نبوی تمامی تفصیل و احکام متعلق به فریضه زکات را بیان کرده تا بر ثروت‌مند ظلم نشده و نیز حق فقیر ضایع نگردد.

در این حدیث، راوی آن انس بن مالک رضی الله عنه نامه ابوبکر صدیق رضی الله عنه به وی - زمانی که وی را به حیث مسؤؤل جمع‌آوری زکات به بحرین فرستاد و مأموریت داد که زکات اهل بحرین را جمع‌آوری کند - پیرامون زکات را عرضه می‌کند؛ ابوبکر رضی الله عنه این نامه را برای وی نوشته بود تا در شناخت فریضه زکات، تطبیق و حصول آن از کسانی که بر آنان واجب شده، به این رقیمه متکی باشد. وی در این نامه فریضه زکات را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس از دستور خداوند، بر مسلمانان فرض گردانید، شرح داده و نوشت: کسی که از او پرداخت مقدار مشخصی از این فریضه به کیفیتی که در این حدیث بیان شده، طلب شد؛ بر او واجب است که آن را پرداخت نماید [و نیز

می‌تواند از بدیل‌هایی که] در حدیث، به عوض جنس واجب شده به حیث زکات بیان شده، نیز پرداخت نماید و پرداخت این بدیل‌ها سهولت، رحمت و برطرف کردن حرج از زکات‌دهنده است.

### مطلب سوم: پرداخت نقدی زکات فطر

زکات فطر (فطریه) یا زکات افطار در شریعت اسلامی به صدقه معینی اطلاق می‌شود، که هر مسلمان پیش از نماز عید فطر، به مستحقان مشخصی پرداخت می‌کند. علت نام‌گذاری آن به زکات فطر این است که این صدقه هنگام پایان یافتن ماه رمضان و زمانی که روزه‌داران از این ماه مبارک افطار می‌کنند، مشروع شده است. این زکات در ماه شعبان سال دوم هجری مشروع شده و پرداخت آن بر هر فرد مسلمان، کوچک یا بزرگ، مرد یا زن، آزاد یا برده فرض شد. از دلایل فرضیت آن، این آیه کریمه است: «فَذُكِرَ اسْمُ رَبِّهِ فَصَلَّى / يَقِيناً کسی که خود را پاک (و تزکیه) کند، رست‌گار شد؛ و (نیز کسی که) نام پروردگارش را یادکرد؛ پس نماز گزارد» (اعلی: ۱۴-۱۵). برخی از مفسران در تفسیر آیه گفته‌اند: «یقیناً کسی که زکات مالش را ادا کرد، رست‌گار شده و آفریده‌گارش را راضی کرده است» (طبری، ۲۰۰۴ م: ۵۴۷/۱۲).

از دلایل وجوب زکات فطر از سنت نبوی، فرموده عبد الله بن عمر رضی الله عنهما است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم زکات فطر را در رمضان بر هر شخص مسلمان: آزاد یا برده، مرد یا زن و کوچک یا بزرگ، یک صاع از خرما یا دو صاع از جو، معین گردانید» (مسلم، ۲۰۰۰ م: ح ۹۸۴)؛ هم‌چنان از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم زکات فطر را در رمضان بر مردم، یک صاع از خرما یا دو صاع از جو، بر هر آزاد یا برده، مرد یا زن از مسلمانان فرض گردانید (مسلم، ۲۰۰۰ م: ح ۹۸۴). نیز قاطبه علما بر این اجماع دارند که زکات فطر بر هر مسلمانی که توانایی خوراک خود را دارد و نفقه‌اش بر خودش لازم است؛ بروی پرداخت زکات فطر از جانب خود، هم‌سر و فرزندان کوچکش که مال و دارایی ندارند، واجب است و در این مورد مرد و زن و کوچک و بزرگ یک‌سان هستند (ابن منظر، ۱۹۸۸ م: ۱۱۲).

اما در رابطه با زمان پرداخت زکات فطر، واجب است که قبل از نماز عید پرداخت شود و تأخیر آن تا بعد از نماز جایز نیست. به اساس حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور داد تا زکات فطر، پیش از خروج مردم به سوی نماز ادا گردد» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ح ۱۵۰۳). کسی که پیش از نماز پرداخت کند، زکات پذیرفته شده است و اگر کسی بعد از نماز ادا کند، صدقه محسوب می‌شود؛ چنان‌که از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما نقل شده که گفت: «... کسی که [زکات فطر] را پیش از نماز ادا کند، زکات پذیرفته شده است و کسی که بعد از نماز آن را ادا کند، صدقه‌یی از صدقات محسوب می‌گردد» (ابوداود، ۱۹۹۹ م: ح ۱۶۰۹).

ادای چنین زکاتی، از مظاهر احسان در پایان این ماه فرخنده به شمار می‌آید، که پرداخت آن بر روزه‌داران به‌عنوان حسن ختام این ماه، واجب شده است؛ زیرا ادای زکات فطر به‌نوعی تطهیر صائم از لغزش‌های زبانی و افعال و کردار ناشایستی است که امکان دارد در حال صیام از آنان سرزده باشد و اضافه بر آن، دست‌گیری از فقرا و نیازمندان نیز می‌باشد.

مشروعیت پرداخت این زکات از خوراکی‌ها، از برخی احادیث ثابت شده؛ از جمله روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم زکات فطر را در رمضان، یک صاع از خرما، یا دو صاع از جو، بر هر فرد آزاد یا برده، مرد یا زن مسلمان فرض گردانید» (مسلم، ۲۰۰۰ م: ح ۹۸۴)؛ هم‌چنان از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که گفت: «در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم ما زکات فطر را یک صاع خوراک، یک صاع جو، یک صاع خرما، یک صاع کشک و یا یک صاع کشمش می‌دادیم» (بخاری، ۲۰۰۰ م: ۱۵۰۶).

این دو حدیث به این موضوع دلالت دارند، که پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی که زکات فطر را از خوراک‌های رایج عصر و جامعه خود فرض گردانید، هدف شان ایجاد سهولت، رفع حرج و از بین بردن مشقت از مردم بود؛ به همین منظور صحابه رضی الله عنهم زکات فطر را از انواع خوراکی‌هایی که در آن زمان ذخیره می‌کردند و مروج بود، پرداخت می‌کردند. پرداخت زکات فطر از چنین مواردی برای آنان از پرداخت پول‌های طلایی یا نقره‌یی که در آن زمان نزد عرب‌ها بسیار ارزش‌مند بود، آسان‌تر می‌نمود و فقرا و نیازمندان آن عصر نیز به خوراکی بیش‌تر نیاز داشتند تا به پول نقد.

اما در صورت تغییر احوال و شرایط \_ مثل آنچه در زمان ما رخ داده \_ امام ابو حنیفه و شاگردانش \_ و نیز برخی از فقهای سلف، امثال: حسن بصری، سفیان ثوری، پنجمین خلیفه راشد عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنهم \_ به پرداخت قیمت انواع خوراکی‌ها که بسیاری از فقرا و نیازمندان در روز عید به آن نیاز ندارند؛ بل که به پول جهت خریداری مایحتاج خود و خانواده بیش‌تر ضرورت دارند، جواز داده است؛ زیرا هدف از مشروعیت پرداخت زکات فطر، بی‌نیاز ساختن فقیران از تکدی‌گری در روز عید و سهیم‌بودن آنان در خوشی و سرور این روز است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «أَغْنَوْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ؛ آنان را در این روز بی‌نیاز گردانید» (دارقطنی، ۲۰۰۴ م: ح ۲۱۳۳)؛ یعنی نیازمندان را در روز عید از تکدی‌گری بی‌نیاز کنید. بدون تردید بی‌نیازی با خوراک تحقق می‌یابد؛ اما پرداخت پول نقد به‌تر و سودمندتر است تا بتوانند نیازهای خود را از قبیل خوراک، لباس و سایر ضروریاتی که برای روزهای سعید و فرخنده عید نیاز دارند، تهیه کنند؛ هم‌چنان پرداخت قیمت زکات فطر به‌نوعی هم‌گامی با مقاصد شریعت اسلامی در آسان‌گیری بر مسلمانان و رفع دشواری از آن‌هاست؛ چنان‌که پرداخت قیمت در این عصر از پرداخت خوراک بسیار آسان‌تر است.

## مناقشه و نتیجه گیری

در پایان این پژوهش، دوست دارم که برخی از مهم ترین نتایجی را که در خلال گردآوری مباحث به آن دست یافته ام ارائه کنم، و به شرح ذیل خواهد بود:

۱. آسان گیری یا تیسیر در اصطلاح شرعی به معنای استفاده از رخصت ها هنگام نیاز به آن ها و اجرای امرهای شرعی، با آسان ترین شیوه مشروع، بدون حرج یا مشقت برای مردم است، که تسهیل احکام شرعی، فراگیری آسان آن و تسهیل عمل را به آن در پی دارد؛

۲. یکی از بزرگ ترین ویژه گی هایی که خداوند تبارک و تعالی دین و شریعتش را بدان از سایر ادایان و شریعت های پیشین متمایز کرده، آسان گیری است که از مقاصد اساسی شریعت اسلامی به شمار می آید و خداوند در بسیاری از احکام و عبادات، از زبان پیام برش حضرت محمد صلی الله علیه و سلم آن را مشروع نموده است؛

۳. آسان گیری از نشانه های بارز شریعت غرای اسلامی و مظهری زیبا از مظاهر آن است که در تمامی حالات و جوان خود بر تسامح، آسان گیری، رفع دشواری و مشقت از مکلفان مبتنی است و این مزیت ها در تمامی جوانب این دین از عبادات، معاملات، سلوک، دعوت، اخلاق، آموزش و... عمومی است؛

۴. سنت شریف رسول خدا صلی الله علیه و سلم و سیرت مبارک و معطر ایشان مملو از تسامح، آسان گیری، نرمی و مهربانی است و چه گونه نباشد؟! در حالی که خداوند تبارک و تعالی ایشان را با این فرموده توصیف نموده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَاعَتَبْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ / یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی تان آمد که رنج های شما بر او دشوار (و گران) است و بر (هدایت) شما سخت اصرار داد و (نسبت) به مؤمنان رؤوف و مهربان است» (توبه: ۱۲۸). مظاهر آسان گیری در سنت مطهر نبوی بسیار و متنوع است که شامل بسیاری از عبادات، مثل نماز، زکات، روزه، حج و امثالهم می شود و همه این ها مبتنی بر تسهیل و آسان گیری، رحمت و شفقت بر امت است از جانب قانون گذار حکیم است و صراحتاً بر این قضیه دلالت دارد که این دین، دین آسانی است و هر کس آن را سخت بگیرد، خودش بر خود سخت گرفته است؛

۵. زکات رکن سوم از ارگان پنج گانه اسلام است، که از خلال آن عدالت اجتماعی در دین اسلام تحقق یافته و زمینه یی برای پایان دادن به فقر و نیازمندی جوامع مسلمان فراهم می شود. خداوند تبارک ادای این رکن بزرگ را با کتاب عزیز و سنت مطهر پیام برش فرض گردانیده و نیز ائمه اسلام اجماع دارند که اگر کسی به فرض بودن زکات معترف بوده؛ لکن از پرداخت آن بخل ورزد، مرتکب گناه بزرگی شده و مستحق مجازات از جانب خداوند خواهد بود؛ هم چنان اگر کسی فرض بودن آن را

عمداً و با اصرار \_ درحالی که حکم آن را می‌داند \_ منکر شود، از اسلام خارج شده و صف مسلمانان را ترک کرده و مرتد شده است؛

ع. در سنت نبوی برخی از نصوص آمده، که بر تسهیل و آسان‌گیری در ادای فریضه زکات دلالت دارد، مثل:

**الف. آسان‌گیری در تعجیل ادای زکات؛** که پرداخت آن قبل از سپری شدن یک سال کامل، بنا بر مصلحت در صورتی که سبب وجوب زکات، یعنی مالکیت نصاب کامل، که مال نامی بوده و از حوایج اصلی اضافه‌تر باشد؛ بنا بر حصول غنا و بی‌نیازی، جایز است و این سهولتی بزرگ بر امت است، خصوصاً در شرایط بحرانی، قحطی و حوادث غیرمترقبه مثل چالش فعلی به نام ویروس کرونا را که بسیاری از مردمی که درآمد متوسط دارند در خانه‌ها حبس نموده و نیاز به همکاری مالی دارند و اگر به این آسان‌گیری جامعه عمل پوشانده شود، مقاصد شرعی زکات در جامعه اسلامی که آثار اجتماعی - تکافلی دارد، تحقق یافته و گامی در مسیر علاج ناهنجاری فقر بوده، نیازمندی‌ها و تنگ‌دستی‌ها را برطرف می‌کند؛

**ب. تسامح / آسان‌گیری در مشروع بودن بدیل‌ها در سهم قابل پرداخت زکات؛** که گاهی یک سال بر مال زکات‌دهنده می‌گذرد؛ اما جنسی را که پرداخت آن به حیث زکات واجب شده در اختیار ندارد، در چنین حالتی سنت نبوی کار را بر وی تسهیل نموده و پرداخت بدیل‌ها را مشروع نموده است؛ طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم پرداخت بدیل به عوض جنس واجب شده را به حیث زکات بیان کرده و پرداخت این بدیل‌ها سهولت، رحمت و برطرف کردن حرج از زکات‌دهنده است؛

**ج. تسامح / آسان‌گیری در پرداخت زکات فطر (فطریه) با پول نقد؛** که به نوعی هم‌گامی با مقاصد شریعت اسلامی در آسان‌گیری بر مسلمانان و رفع دشواری از آن‌هاست؛ چنان‌که پرداخت قیمت در این عصر از پرداخت خوراک بسیار آسان‌تر است تا بتوانند نیازهای خود را از قبیل خوراک، لباس و سایر ضروریاتی که برای روزهای سعید و فرخنده عید نیاز دارند، تهیه کنند.

۷. بر مسلمان عمل کردن به رخصت‌های شرعی بدون حرج و تردیدی واجب است و پیامبر صلی الله علیه وسلم به استفاده از رخصت‌ها تأکید کرده است؛ چنان‌که در فرازی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَةٌ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ؛ پس بر بنده‌گان شایسته نیست که از پذیرش آن چه شریعت برای‌شان مباح دانسته و فراخی آورده ابا ورزند».

آن چه در این پژوهش گردآورده‌ام، به یک نکته اشاره دارد و آن این‌که آسان‌گیری از مقتضیات رسالت خاتم پیامبران و اشرف رسولان محمد صلی الله علیه وسلم و کمال رحمت خداوند متعال به این امت است و دیگر این‌که انسان‌ها هرگز نمی‌توانند شبیه این دین را که خداوند برای تمامی طبقات

انسانیت نازل کرده و مزین با آسان گیری، تسامح، رفع دشواری‌ها و مشقت‌ها در تمامی جوانب اعتقادی، عبادی، سلوکی، اخلاقی و... است، بیاورند.

از خداوند متعالی می‌طلبیم که فهم درستی از مبادی این دین حکیم، آموزه‌های والا و قوانین جاودانه آن و نیز تطبیق عملی این مبادی، آموزه‌ها و قوانین را به ما عطا فرماید تا به واقعیتی ملموس و سلوکی قابل مشاهده تبدیل گردد و خداوند بر این امر کارساز و تواناست.

### سرچشمه‌ها

۱. ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی. (۱۹۹۹ م). **سنن ابو داود**. ریاض: دار السلام.
۲. ابو یعلی الموصلی، احمد بن علی المثنی. (۱۹۸۴ م). **مسند ابو یعلی الموصلی**. دمشق: دار المأمون.
۳. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۰ م). **صحیح البخاری**. ریاض: دار السلام.
۴. دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن. (۲۰۰۷ م). **سنن الدارمی**. دمشق: دار المصطفی.
۵. دار قطنی، ابو الحسن علی بن عمر. (۲۰۰۴ م). **سنن دار القطنی**. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۶. حکیم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله. (۱۹۲۲ م). **المستدرک علی الصحیحین**. حیدرآباد: دار المعارف العثمانیة.
۷. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله القرطبی. (۱۹۹۴ م). **جامع بیان العلم وفضله**. ریاض: دار ابن الجوزی.
۸. ابن حبان، محمد بن حبان البستی. (۱۹۹۳ م). **صحیح ابن حبان**. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۹. ابن کثیر، عماد الدین ابو الفداء دمشقی. (۱۹۹۳ م). **تفسیر القرآن العظیم**. ریاض: دار السلام.
۱۰. ابن منظور، محمد بن ابراهیم النیشابوری. (۱۹۸۸ م). **الإقناع**. ریاض: دار الصمیعی.
۱۱. ابن تیمیہ، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم الحرانی. (۲۰۰۴ م). **مجموعه الفتاوی**. مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف.
۱۲. مناوی، عبدالرؤوف. (۱۹۹۰ م). **التوقیف علی مهمات التعاریف**. قاهره: عالم الکتب.
۱۳. مسلم، ابوالحسین مسلم بن حجاج القشیری. (۲۰۰۰ م). **صحیح مسلم**. ریاض: دار السلام.
۱۴. ندوی، ابو الحسن علی حسنی. (۱۹۶۷ م). **الأركان الأربعة**. قاهره: دار الکتب الاسلامیة.
۱۵. قرضاوی، یوسف. (۱۹۸۹ م). **الخصائص العامة للإسلام**. قاهره: مکتبه الوهبة.
۱۶. سید، سابق. (۲۰۰۴ م). **فقه السنة**. قاهره: دار الفتح للاعلام العربی.
۱۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۲۰۰۴ م). **جامع البیان فی تأویل القرآن**. بیروت: دار الکتب الاسلامیة.
۱۸. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره. (۱۹۹۹ م). **سنن الترمذی**. ریاض: دارالسلام.
۱۹. الاشقر، عمر سلیمان. (۱۹۹۱ م). **خصائص الشریعة الإسلامیة**. عمان: دار النفیس.
۲۰. شبیر، محمد عثمان. (۲۰۰۷ م). **القواعد الكلية والضوابط الفقهیة**. عمان: دار النفیس.